

شماره چهار صد و بیست و هفتم | پیراگفته: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

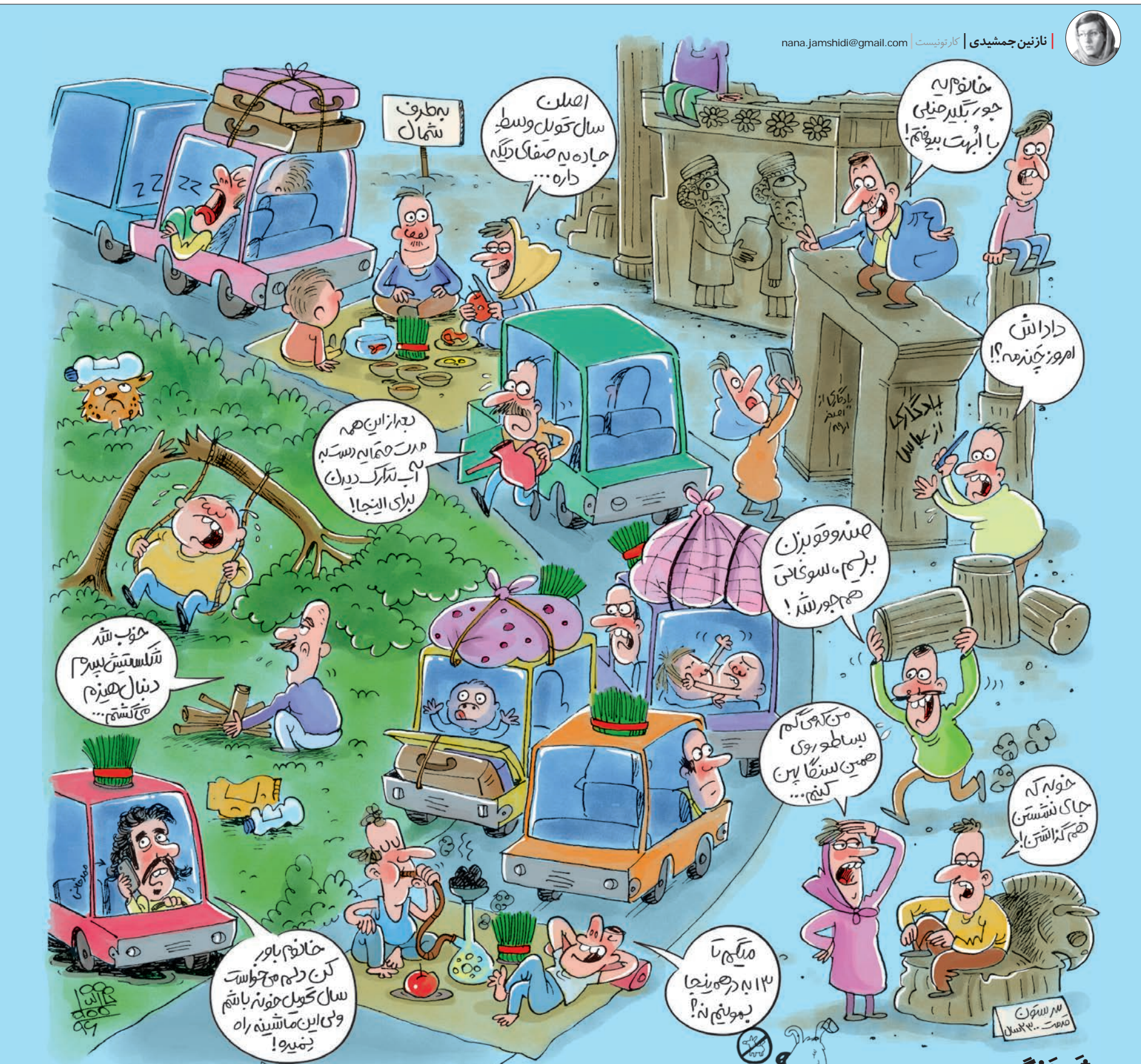
توی دنیای پر از اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهروند»

آر روز مانده به عید

پیام کارگرا به شورای تعیین دستمزد ۹۷:

لطفا دستمزد به مقداری باشه که تورم روی سرمون رو جبران کنه!

همین که اسم خیابون کارگر رو عوض نکردیم، کارگرا باید شاگرد باشند! نمانده کار فرما: به کارگرا شغل دادیم، دستمزد دهم می خواهند؟! دستمزد_تک_رقمی #باید_بسازي_مهرگ_بر_دستمزد_دردود_بر_تورم #شهروند



نازنین جمشیدی | کارنویس | nana.jamshidi@gmail.com

گمشدگان



چگونه سرزمین من را به گند بکشیم؟! این قسمت: جنوب!

سوشیانس شجاعی فرد | طنزنویس | soshyans.fard@gmail.com

آبادان: تهنجی ها مقصد محبوب بسیاری از توریست هاست، کل خیابان عین متروی تهران است و دستفروش ها انواع اجناس ناتوازم از سس ناتو، صابون ناتو، ادویه جنوبی ناتو، ترشی ناتو، تیغ پشمزنی ناتو را بساط کرده و به مشتری می دهند! در کنار خیابان، انواع سمبوسه در روغن ۸۰۰ پار مصرف که معمولا قدمتی به اندازه خود نوروز باستانی دارد، همراه با سس های فلفل تهیه می شود. همچنین فالاف اصل لبنان را در آبادان می توانید بخورید. برای گندزدن به خیابان های آبادان، کاغذ ساندویچ و قوطی نوشابه خود را در جوب بیندازید، در بازار ماهی اشغال ماهی های خود را داخل رودخانه بریزید! به جزیره مینو بروید و از ۸۰۰ متری عراقی ها به آنها لایک بدهید! زیر پل خرمشهر قلیان دو سیب نعناع بریزید و ریخته تان را داغون کنید! اهواز: جمله دیدنی های این شهر، گردوغبار مشهور آن است که در صورتی که خوش شانس باشید و در ایام نوروز این گردوخاک را ببینید، می توانید با گرفتن چند تا سلفی، بقیه ایام سال، ادای همدردها و بقایای لب کارون، بقایای آتیشا و بقایای باشگاه گلف از جمله اماکن توریستی اهواز هستند که اگر چیزی از آنها باقی مانده باشد، می توانید بازدید کنید! همچنین محله لشکر آباد پایتخت فالاف جهان است که حتی خود لبنانی ها هم برای خوردن فالاف لبنانی به لشکر آباد می روند!

شهروند

راه های گشودن دهان پسته در بسته

علی اکبر محمدخانی | چند روز پیش یک عده از مسئولان تشریف آوردند منزلمان تا پیشاپیش عید را تبریک بگویند. ما که از سوز و سات عید فقط یک کاسه پسته نامرغوب و نخودچی داشتیم، آنرا افروشان گذاشتیم. آقایان نخودچی ها را کنار زده و سراغ پسته ها رفتند، اما پسته ها را در بسته یافتند. یکی از مسئولان سقلمه ای به کناری اش زد که «برو از تو ماشین اون برجامو بردار بیار، شاید گشایشی حاصل بشه» نظر فتر دیگری برای پسته ها دست تکان می داد و می پرسید: «از ساعت چند اینجایی؟» اما پسته ها هیچ محلس نگذاشتند. دیگری به پسته ها تشریح زد که «به خودتون بیاید» ولی پسته ها به خودشان نیامدند. آن یکی با گفتن «اتفاقا چه خوب شد بگمگم راه انداختید» خواست پسته ها را تحریک کند که دهان باز کنند ولی افاقه نکرد. دیگری خواست گازانبری دهان پسته ها را صاف کند که یکی از مسئولان سابق که به گفت و گو اعتقاد داشت ایشان را راضی کرد تا با پسته ها به گفت و گو بنشینند، اما گفت و گو هم نتیجه نداد. آخر سر یکی داشت با آری جی می آمد پسته ها را بود کرد که بخت یاری کرد، ناگهان صدای ناجوری شنیده شد؛ پسته ها از شنیدن صدا دهان باز کرده و خندیدند، مهمان ها فرصت را غنیمت شمرده و در کسری از ثانیه ترتیب پسته ها را دادند. پسته ها که تمام شد، مسئولان یک نگاه شیطنت آمیز به اینجانب انداختند که یعنی: «ای کلک، صدای چی بود؟» بنده به صدای پلاستیکی زیر پایم اشاره کردم، اما باورشان نشد، ایشان رفتند، در انتها ما ماندیم، و یک کاسه نخودچی.

غرب

سید جواد قضایی | ایام نوروز فرصت مناسبی برای سفر است. از سمت تهران بنمازید توی آتوبان و به سمت غرب بروید، یکی از مزایای غرب کشور این است که شما مطمئن هستید اجناس تمام مغازه ها تر است و دیگر لازم نیست فروشنده قسم و آیه بدهد که ترمه های طرح بنه جفایش را شخصاً از مرز وارد کرده. حتی همین فک و چیبسی هم که می خرید دیگری می دهد! البته مزیت بزرگ سفر به غرب کشور این است که شما همزمان با این که در غرب هستید و به خاطر زبان متفاوت منطقه حس خارجی بودن بهتان دست می دهد، به خاطر ریختن اشغال توی خیابان جریمه نمی شوید و به راحتی می توانید پوست تخمه های تان را از بین لب و دندان فوت کنید؛ توی تمام میراث فرهنگی باقیمانده از گذشته و کتان هم نگرزد. آخر اتوبان تقریباً نزدیک به مرز شمال غربی است، تا آن لحظه احتمالاً (باشاسین آذربایجان) را هم یاد گرفته اید. بانوجه به افزایش عوارض خروج از کشور، آن ور مرز را بی خیال شوید و بنمازید به طرف پایین، به سمت غرب کشور، منطقه کردستان. آن جا علاوه بر این که می توانید «مزی کوردیستان» را یاد بگیرید، می توانید برای کمک به اقتصاد محلی و کمک به اشتغال جوانان، بی خیال مهلباد، سردشت، آبشار شلماش، بوکان، سقز، سنندج، مروان، دریاچه زربور و سایر شهرهای کوردنشین شده و مستقیم بروید و به آن جا یخچال ژاپنی، گاز چینی، هودا آمریکایی، پاسور عربی و سایر اجناس از ان قیمت بزنید روی باریندو تا سیزدهم دربر گردیدمزل.

شمال

داود نجفی | بعد از رادیو گرافی پدر بزرگ فهمیدیم دوسوم بدنش را دود تشکیل داده است. دکتر گفت پدر بزرگ یک سال بیشتر زنده نمی ماند، باید هر چه زودتر به یک جای خوش آب و هوا برویم و گر نه شش پدر بزرگ به خاک می رود و باید به خاکش تبدیل کنیم. بابا گفت: «می توئم بنارم بابا در اثر آلودگی هوا میره» در عرض نیم ساعت کل فامیل با چادر مسافرتی و تن کتسرو لوبیا و ماهی و گاز مخصوص پیک نیک به شمال کشور حمله ور شدیم. بعد از ۲۴ ساعت رانندگی بالاخره به شمال رسیدیم و کنار یکی از بهترین هتل ها چادر زدیم. مامان شروع کرد به پختن میکس لوبیا و ماهی که یک باد سفر از تنمان تفنگ ساچمه اش را برداشت تا برود به شکار گونه های نادر پدر بزرگان مهاجر. یک عابر پیاده به بابا گفت: «دوست عزیز شهر ما خانه ما این طبیعت مال آینده ما هم هست.» بابا هم تفنگ ساچمه را شمش گرفت و گفت: «آره ولی این شهر شماس، بعدشم طبیعت خداس، دلم می خواد بزیم نابودش کنیم. مگه من چند وقت به بار میام شمال؟» تا عصر کلی شکار کردیم و به چادر برگشتیم. پدر بزرگ که در اثر خوردن کتسروهای نفاخ و با کلم یاد هفتاد درصد بدنش لمس شده بود، با دیدن پدر بزرگان شکار شده، درجا مرد. شاید پدر بزرگ را از دست دادیم، ولی پدر به قولش عمل کرد و نگذاشت پدر بزرگ در اثر آلودگی هوا میرد.

بزرگ کارتونها | نازنین جمشیدی | شهرونگ

